

**"تحولات مسئولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"****نگاهی دیگر به مبانی مسئولیت مدنی در فقه امامیه**

میلاد دهقانی. دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست و نهمین متر، بلوار

قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷- ۰۹۳۵۳۵۲۶۲۳۴ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - milad.dehghani@mail.um.ac.ir

مرضیه فردوسی دولت شانلو. دانش آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست و نهمین متر

قائم، بلوار قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷- ۰۹۱۹۰۰۴۰۲۵۳ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - m.ferdowsi@mail.um.ac.ir

دکتر عباسعلی سلطانی. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد. ۰۹۱۵۳۱۳۷۰۷۷ - soltani@um.ac.ir

چکیده

اساس و پایه مباحث حقوق مدنی، بحث مسئولیت مدنی است. در این خصوص نیز سخن از مبانی مسئولیت مدنی اهمیت به سزایی دارد و تاکنون نظرات مختلفی در باب مسئولیت مدنی ارائه شده است. تحولات مبانی مسئولیت مدنی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله انقلاب صنعتی، شرایط اقتصادی و حتی اندیشه‌های فلسفی بوده است.

در زمینه مبانی مسئولیت مدنی نظریه‌های مختلفی از سوی متفکران غربی مطرح شده که بیشتر جنبه فلسفی دارند و حقوق موضوعه را کم‌وبیش تحت تأثیر قرار داده‌اند. این نظریه‌ها، شامل نظریه خطر، تقصیر، مختلط، تضمین، تضمین گروهی و تقصیر به مفهوم نوعی است. مبانی مسئولیت مدنی در باب اتلاف و تسبیب به نظریه خطر نزدیک است آن هم خطر مطلق نه خطری که الزاماً با نفع مادی همراه باشد. به هر حال به نظر می‌رسد که در فقه اصولاً نظریه مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت نوعی (عینی) پذیرفته شده است. برخی استادان حقوق اظهار نظر کرده‌اند که مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و حقوق ایران، قاعده نفی ضرر است. بعضی دیگر نظریه استناد عرفی را مبانی مسئولیت تلقی کرده‌اند. در مسئولیت مدنی برای تحقق مسئولیت، وجود یا اثبات تقصیر شرط نیست بلکه اثبات ضرر و رابطه سببیت عرفی بین ضرر و فعل یا ترک فعل شخص برای مسئولیت و مطالبه خسارت کفایت می‌کند. بدیهی است که قبول این نظر به سود زیان‌دیده است، چه او را از اثبات تقصیر که اغلب کاری دشوار است، معاف می‌کند، به علاوه در توجیه فلسفی آن می‌توان گفت که عدالت اقتضا می‌کند که خسارت در هر حال جبران شود و هیچ ضرری بدون جبران نماند. قاعده لاضرر نیز دست کم بنا بر یکی از نظریه‌هایی که در مفهوم آن پذیرفته شده، مفید همین معنی است. تعریف ما از مسئولیت مدنی وابسته به مبنایی خواهد بود که این نوع مسئولیت را بر آن مبتنی می‌سازیم. نتیجه اینکه تعیین مبانی مسئولیت مدنی هم از جنبه نظری و هم از جنبه کاربردی برای ما مؤثر خواهد بود. انتخاب مبانی مسئولیت مدنی تلاشی است برای سازش دادن دو حکم متناقض؛ از یکسو همواره باید تلاش کرد تا هیچ ضرری جبران نشده باقی نماند و از سوی دیگر نمی‌توان بدون وجود یک مبانی حقوقی و منطقی، فردی را مسئول شناخت و او را ملزم به جبران خسارت نمود.



پنجمین

اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

پنجمین همایش ملی حقوق

"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"



دانشگاه آزاد
اسلامی
واحد میبد

دستاورد این پژوهش این است که نگاه دیگر و خاص به مبنا و شرایط مسولیت مدنی و قرار دادن عنصر تقصیر در عداد عوامل مثبت رابطه علیت و استناد خسارت به شخص و نه در زمره شرایط اصلی مسولیت. سیستم حقوقی ما این اجازه را می دهد که برای شناخت مسولیت بدون خطا، بدون نیاز به مساعی و نظریه سازی های پیچیده، در هر موردی که رابطه استناد میان خسارت و فعل شخص بدون احتیاج به اثبات تقصیراز دید عرف محرز باشد، مسولیت عامل را محرز واحکام ولوازم آن را بپذیریم.

کلیدواژگان: مسولیت عامل، مبنای مسولیت مدنی، مسولیت بدون تقصیر.

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

مقدمه

حقوق مسولیت مدنی که با هدف حمایت از حقوق زیان دیده وضع شده، شامل قواعد مربوط به زیان های مادی و معنوی اشخاص به یکدیگر و راه های جبران جبران خسارت است. قوانین مسولیت مدنی یکی از پرکاربردترین قوانین در جامعه در گذشته و عصر حاضر است که کاربرد مسائل آن در موضوعات حقوقی و اجتماعی و ... بر کسی پوشیده نیست. با نگاهی به تاریخ مسولیت مدنی می توان یافت که این مسولیت همواره در حال تغییر و توسعه بوده، از حالت بدوی و ساده درآمده و به تکامل و توسعه رسیده است. در گذشته همه چیز ساده و ابتدایی بود و قوانین هم متناسب با آن شرایط ساده وضع می شد. اما امروزه به خاطر پیشرفت هایی که در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و ... ایجاد شده، روند و رویکرد مسولیت مدنی تغییر کرده است. در واقع توسعه علم و تکنولوژی تأثیراتی بر زندگی انسان ها گذاشته است که حقوق مسولیت مدنی نیز از آن بی تأثیر نبوده است. با این حال، مسولیت مدنی که با هدف برقراری نظم و امنیت اجتماعی و تأمین حقوق زیان دیده یا زیان دیدگان وضع شده، به دنبال ارائه راهکارهایی جدید در جهت رفع ضرر و جبران خسارت متناسب با شرایط امروزی است. مفهوم مسولیت مدنی زمانی محقق می شود که ضرری به کسی وارد آید. البته برای مسئول دانستن شخص، ارکان، شرایط و مبانی ای نیاز است تا بر طبق آن شخص را مکلف به جبران خسارت نمود. درباره مبانی مسولیت مدنی که یکی از مهمترین مباحث در حوزه مسولیت مدنی است، میان حقوقدانان اختلاف نظر است. نظرات گوناگونی حول مسولیت مدنی مطرح شده است، از جمله مهمترین این نظرات، نظریه تقصیر، خطر، تضمین حق و تقصیر نوعی می باشد. برخی وجود تقصیر را شرط اصلی مسولیت قلمداد کرده و بعضی دیگر آن را در عداد عوامل مثبت مسولیت می دانند. می توان گفت که در هیچ نظام حقوقی، مبانی واحدی برای مسولیت مدنی انتخاب نشده است و همچنان درباره مبانی و شرایط آن اختلاف وجود دارد. با این حال، حقوق اسلامی ایران که بر اساس فقه اسلامی بنا شده است، به دنبال راهی است که با حفظ حقوق طرفین دعوا ضرر وارده را رفع نماید و عدالت را در جامعه برقرار نماید. به همین، حقوق مسولیت مدنی متناسب با مبانی فقهی سعی در ایجاد راهی نو و سریع در جبران خسارت زیان دیده دارد. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال ها است که آیا تقصیر، شرط اصلی ایجاد مسولیت مدنی است یا اینکه عوامل دیگری در ایجاد مسولیت مؤثرند؟ و نقش هر یک از نظریه های مطرح شده در زمینه مسولیت مدنی چیست؟ ناگفته نماند که درباره مسولیت مدنی، انواع و مبانی آن، تحقیقات زیادی شده است اما درباره این موضوع که «نگاهی دیگر به مبانی مسولیت مدنی در فقه امامیه» است، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و کتابخانه ای است و با مراجعه به کتاب های فقهی، حقوقی و قانون مسولیت مدنی صورت گرفته است. هدف از این پژوهش آن است که وجود ضرر را رکن اصلی تحقق مسولیت مدنی بدانیم و به عوامل دیگر چون تقصیر توجه کمتری کنیم و آن ها را نه شرایط اصلی، بلکه در عداد عوامل مثبت قرار دهیم.

**تعریف مسئولیت مدنی**

در هر مورد که بر اثر تقصیر یا بی‌مبالاتی شخصی، ضرر و زیانی به دیگری وارد آید و عامل این ضرر و زیان، مکلف به جبران خسارت باشد، می‌گویند که در برابر وی مسئولیت مدنی دارد و یا به عبارتی دیگر، ضامن خسارت وارد شده می‌باشد و باید آن را تدارک بیند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۶)

مسئولیت مدنی در معنای عام را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «هرکس که به بدن یا سلامتی یا احساسات و عواطف یا اموال و حقوق مالی دیگران از هر طریقی اعم از عدم اجرای قرارداد و یا نقض قواعد عام و هنجارهای عرفی و یا نقض قانون و یا به-مناسبت انجام جرم، لطمه وارد نماید، باید خسارتی را که وارد آمده، جبران نماید و زیان‌دیده حق دارد از عامل زیان، این خسارت را مطالبه نماید. (تقی‌زاده و همکارش، ۱۳۹۱: ۴) امروزه اصطلاح مسئولیت مدنی بیشتر در معنای مسئولیت مدنی غیرقراردادی یا خارج از قرارداد (مسئولیت قهری یا ضمان قهری) به کار برده می‌شود. (صفایی، بی‌تا: ۲۳۶)

مبانی مسئولیت مدنی در فقه امامیه

در حقوق اسلامی به جای مسئولیت از واژه «ضمان» استفاده می‌شود و مسئولیت مدنی تقریباً معادل کلمه «ضمان قهری» قرار می‌گیرد. (تقی‌زاده و همکارش، ۱۳۹۱: ۳۷) در مسئولیت مدنی، هرکس ضرری به دیگری وارد کند، از لحاظ قانونی مکلف به جبران خسارت است. اما باید دید که مبنای این جبران خسارت چیست و سرمنشأ آن از کجاست؟ یعنی بر طبق چه معیار و ملاکی ما شخصی را مسئول جبران خسارت می‌دانیم؟ در فقه اسلامی، قواعدی وجود دارد که به عنوان مبنای مسئولیت مدنی شناخته شده‌اند. این مبانی عبارت‌اند از:

۱- قاعده لاضرر: از مشهورترین قواعد فقهی که فقهای اسلامی از دیرباز در ابواب مختلف عبادات، عقود، ایقاعات و احکام از آن سخن گفته‌اند، «قاعده لاضرر» است. در اسلام هر جا که حکمی منجر به ضرر و ضرار شود، قاعده لاضرر جلوی آن را می‌گیرد؛ زیرا شارع مقدس ضرر رساندن به دیگران را حرام کرده و تدارک ضرر چیزی است که اسلام به آن بهای زیادی داده است و بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تدارک ضرر در قالب «قاعده لاضرر» صورت می‌گیرد. در حقوق اسلامی همین اندازه که در نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت می‌شود و در این راه وضع روانی و جسمی این عامل، سهم ناچیزی دارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۷) البته درباره مفهوم ضرر و ضرار و اینکه قاعده لاضرر شامل احکام عدمی می‌شود یا نه، در میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. قاعده لاضرر که قاعده بسیار مهمی در اسلام به‌شمار می‌آید و بر اساس آن احکام زیادی استنباط می‌شود، دارای مستنداتی می‌باشد. برای این قاعده مشهور فقهی به کتاب، سنت و عقل استناد شده است. در



"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"

قرآن کریم، آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره، آیه ۲۳۳) همچنین به روایاتی نیز استناد شده است اما سند و پشتوانه قاعده روایت «سمره بن جندب» است. «سمره بن جندب نخلی در باغ کسی داشت. وقتی که به نخلش سر می زد به چیزهایی از خانواده مرد نگاه می کرد. او بدش می آمد. مرد نزد رسول خدا رفت و از او شکایت کرد و گفت: ای رسول خدا سمره بدون اجازه من، وارد خانه من می شود. اگر او را می خواستی و دستور می دادی تا قبل از آمدن به خانه من، اجازه بگیرد تا همسرم خودش را از نگاه او دور سازد، ممنون می شوم. رسول خدا کسی را به دنبال سمره فرستاد و فرمود: ای سمره! وقتی داخل می شوی، اجازه بگیر. آیا به اینکه در بهشت، درختی در مقابل نخلت داشته باشی، خشنود می شوی؟ گفت: نه! فرمود: در مقابل آن سه نخل به تو می دهم. گفت: نه! حصرت فرمود: ای سمره! تو تنها به دنبال آزار و اذیت هستی. فلانی برو و آن درخت را ببر و به صورتش بز.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵: ۴۲۷-۴۲۸) بر طبق این مبنا می توان گفت که هرگونه ضرری در اسلام حرام است و در صورت وجود ضرر، عامل زیان باید درصدد جبران آن برآید تا ضرر وارده را رفع نماید. مهم ترین دلیل برای نفي ضرر و ضرار، عقل است. درواقع باید گفت که مدلول این قاعده جزء «مستقلات عقلیه» است که عبارتند از اموری که بدون حکم شرع خود عقل به آنها می رسد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۳۱)

۲- قاعده اتلاف: یکی دیگر از قواعد مشهور فقهی که موجب ضمان قهری می شود، قاعده «من أتلف مال غیره فهو ضامن» است. می توان گفت این قاعده یکی از قواعد مسلم فقهی است که از ضروریات دین به شمار می آید. بنا بر این قاعده، هرکس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند و یا مورد بهره‌وری قرار دهد، ضامن صاحب مال است. (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۳)

اتلاف به دو صورت مباشرت و تسبیب صورت می گیرد و هر کدام را که دارای تقصیر باشد، به عنوان عامل تلف معین می کند. ادله اعتبار قاعده اتلاف، آیات قرآن کریم روایات و بنای عقلا می باشد. آیه «فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ»^۲ (بقره، آیه ۱۹۴) و آیه «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ»^۳ (نحل، آیه ۱۲۶) مبنای قرآنی قاعده به شمار می روند. درباره این قاعده، روایات فراوانی وجود دارد و عبارت «من أتلف مال غیره فهو ضامن» که به عنوان مهمترین مبنای قاعده ذکر شده، در هیچ روایتی به طور دقیق نیامده است. با این حال، روایات، مهم ترین دلیل حجیت قاعده اتلاف به شمار می روند. بر طبق بنای عقلا نیز، هرکس موجب تلف شدن مال دیگری شود، ضامن است. همچنین فقهای شیعه درباره حجیت این قاعده اجماع دارند. بنابراین قاعده اتلاف مورد قبول تمامی فقها است و در حجیت آن جای شکی نیست.

۱. «نباید بر مادر و فرزندش به خاطر یکدیگر ضرری وارد شود و نه بر پدر و فرزندش».

۲. «هرکس به شما حمله کند، همانند حمله وی بر او حمله کنید».

۳. «و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها همانگونه که به شما تعدی شده، کیفر دهید».

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

۳-قاعده تسبیب: قاعده تسبیب از قواعد معروف فقهی در باب ضمان است که بلافاصله بعد از قاعده اتلاف، از آن سخن به میان رانده می‌شود؛ چرا که در اتلاف، تلف و خسارت به مباشرت صورت گرفته و در تسبیب به وسیله سبب. اصطلاح تسبیب در مقابل مباشرت به کار می‌رود و بر اساس آن اگر کسی سبب تلف و خسارت به دیگری شود، ضامن است و باید آن تلف و خسارت را جبران نماید. مستند قاعده روایاتی است که حاکی از مسولیت کسی است که غیرمستقیم موجب بروز خسارت به دیگری شده است. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۱) البته اجماع فقها هم مستند قاعده است اما نقش روایات در اثبات قاعده، پررنگ‌تر می‌باشد. قاعده تسبیب از قواعدی است که فقهای شیعه در مقام استنباط احکام در زمینه‌های مختلف معاملات و عقود به آن استناد کرده‌اند و بر اساس آن شخص را ضامن دانسته‌اند. (فخرالمحققین، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰: ۲۵۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۴۷) پس در قاعده تسبیب، سبب ورود خسارت به دیگری ضامن است. سبب ارتباط نزدیکی با اتلاف دارد و در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.

۴-قاعده ضمان ید: قاعده ضمان ید همانطور که از نامش پیداست، اقتضای ضامن بودن شخص را در صورت تصرف و استیلا بر مال دیگری دارد؛ یعنی مقصود قاعده این است که آنچه از مال دیگری در اختیار کسی باشد، به عهده‌اش است تا آن را به صاحبش برگرداند. (حسینی‌المراغی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۱۷) مستند قاعده ضمان ید قبل از هر چیزی بنای عقلا است؛ زیرا با مطالعه در زندگی اهل خرد، درمی‌یابیم که آنان، شخصی که مال دیگری را تصرف می‌کند، در مقابل مالک مسئول می‌دانند؛ یعنی علاوه بر آنکه تکلیف او را در زمان موجود بودن عین، ملزم به رد آن می‌دانند، چنانچه خسارت و یا تلفی وقوع یابد، مسولیت مدنی را نیز متوجه وی می‌سازند. (محقق‌داماد، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۱) سیره عقلا که روش مستمر عملی میان عقلای عالم است، بر این است که این قاعده مورد پذیرش بوده و یک قاعده کلی است که شامل تمام تصرفات می‌شود. البته سیره عقلا در صورتی حجیت دارد که متصل به زمان معصومین باشد. همچنین این قاعده مشهور فقهی برگرفته از حدیث نبوی معروف «علی‌الید مأخذت حتی تؤدیه» است. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۸۸) یعنی بر دست است، آنچه را گرفته تا اینکه آن را پس دهد. طبق قاعده ضمان ید، استیلا و تصرف بر مال، منفعت و حق دیگری بدون اذن او یا قانونگذار موجب ضمان است و شخص باید از عهده جبران آن برآید.

۵-قاعده غرور: قاعده غرور از قواعد فقهی مهم است که در فقه از آن تحت عنوان «المغرور یرجع الی من غره» یاد می‌شود. این حدیث نبوی در هیچ‌کدام از کتاب‌های حدیثی ذکر نشده است و از لحاظ سند ضعیف است اما مشهور فقها معتقدند که شهرت عملی حدیث، موجب جبران ضعف سندی آن می‌شود. (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۱۵) غرور (فریب) یکی از عوامل ایجاد مسولیت است و هرگاه شخصی دیگری را گول بزند و در اثر آن ضرر و زیانی متوجه دیگری شود، شخص ضرر رساننده، ضامن است. عامل زیان را غار و زیان‌دیده را مغرور گویند و مغرور حق دارد که برای دریافت خسارات به غار رجوع کند. فقهای شیعه برای

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

ضمان شخص در ابواب مختلف فقه به قاعده غرور استناد کرده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۲۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۷۶؛ ابن ادریس، بی تا، ج ۲: ۲۲۶) اجماع و سیره عقلا هم مؤید این مطلب است که اگر در صورت وجود خدعه و فریب، کسی متضرر شود، عامل زیان باید آن ضرر را جبران نماید.

مبانی نظری مسولیت مدنی

در زمینه مبانی مسولیت مدنی، نظریه‌های گوناگونی از سوی حقوقدانان مطرح شده است که گویا جنبه فلسفی دارند. این نظریه‌ها که در حقوق ایران و غرب مشترک است، عبارت‌اند از:

۱- **نظریه تقصیر:** قدیمی‌ترین نظریه‌ها که از جهت نظری و عملی بسیار حائز اهمیت است، نظریه تقصیر است. تقصیر دربرگیرنده تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخص دیگری برخلاف متعارف است و می‌توان گفت که تقصیر عبارت است از عمل خلافی که یک شخص نسبت به شخص دیگری انجام می‌دهد. بنابراین هرگاه شخصی در اعمال و رفتار خود رعایت احتیاط معمول و مرسوم در جامعه را نکند یا از مقررات تخلف کند و موجب زیان دیگری شود، مقصر و مسئول شناخته می‌شود و ملزم است از عهده جبران زیان وارد شده برآید. (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۲۱) پاره‌ای از حقوقدانان در پاسخ به علت محکوم بودن عامل ورود ضرر و زیان به جبران خسارت وارده به شخص زیان‌دیده، آن را ناشی از تقصیر وی می‌دانند. از نظر این دسته از حقوقدانان، تقصیر چه عمدی باشد یا غیرعمدی و خواه سبک باشد یا سنگین، موجب مسولیت مقصر نسبت به جبران خسارت زیان‌دیده می‌شود. (خواججه‌پیری، ۱۳۸۹: ۲۷) یعنی فقط کسی که مرتکب تقصیر شده، مسئول است. البته تقصیر مرتکب هم باید ثابت شود که اثبات آن بر عهده زیان‌دیده می‌باشد که در اغلب موارد کاری دشوار است. ماده ۹۵۲ قانون مسولیت مدنی تقصیر را چنین تعریف کرده است: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی» در ماده ۹۵۱ و ۹۵۲ این قانون، تفریط و تعدی چنین آمده است: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری و تفریط عبارت است ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.» بنابراین علت اصلی مسولیت عامل زیان در قبال زیان‌دیده، عنصر تقصیر است و زیان‌دیده زمانی می‌تواند به حق خود برسد که تقصیر عامل زیان را اثبات نماید.

۲- **نظریه خطر:** امروزه آنچه که در مسولیت مدنی حائز اهمیت است، منافع زیان‌دیده و جبران خسارت او می‌باشد و از آنجا که مبنا قرار دادن عنصر تقصیر، سبب می‌شود که در برخی موارد به دلیل عدم اثبات تقصیر مرتکب ضرر، وی مکلف به جبران خسارت وارده نباشد و زیان‌دیده نتواند جبران زیان وارده را مطالبه نماید. لذا برای رفع این مشکل برخی حقوقدانان با تکیه بر ضرورت جبران خسارت ناشی از هرگونه فعل زیانبار، معتقد گشته‌اند که می‌بایست با حذف عنصر تقصیر از شمار شرایط تحقق و ارکان مسولیت مدنی، راه را برای جبران خسارت ناشی از هرگونه عمل زیانباری هموار نمود. (خواججه‌پیری، ۱۳۸۹: ۲۸) به همین دلیل نظریه جدیدی از سوی حقوقدانان مطرح شد که در آن به عنصر تقصیر توجهی نمی‌شود بلکه آنچه مهم است و مبنا

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

مسئولیت قرار می‌گیرد، ضرر وارده و رابطه سببیت میان فعل زیانبار و ضرر وارده است. نظریه خطر برای اولین بار در کشورهای غربی مطرح شد و استدلال آن‌ها برای مسئول دانستن شخص این بود که شخصی که از فعالیتی سود می‌برد، خودش هم باید مسئول جبران ضررهای وارده باشد. چنانکه در شریعت اسلام نیز، قاعده‌ای مبتنی بر این سخن وجود دارد: «من له الغنم فعلیه الغرم» یعنی هرکس که منافع را می‌برد، ضرر هم به گردن اوست. ایراد مهمی که بر این نظریه وارد شده، این است که هر فعالیتی دارای نفع و دست‌کم نفع معنوی است و اگر بگوییم آدمی باید کلیه زیان‌های ناشی از عمل خود را جبران کند، کارها از ترس مسئولیت، فلج خواهد شد؛ چه بسا زیان‌دیده نیز از فعالیت خود سود می‌برد، پس چرا خسارت فقط باید به او واردکننده زیان، تحمیل شود؟ (صفایی، ۱۳۹۳: ۷۰) اما فوایدی نیز برای این قاعده گفته شده است. یکی از آن‌ها این است که مطالبه جبران خسارت آسان می‌شود و دیگر نیازی به اثبات تقصیر نیست و دادرس همین که رابطه علیت میان فعل ضرری و ضرر را اثبات نماید، برای مسئولیت عامل کافی است. بنابراین می‌توان گفت که این نظریه، ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با حدیث «لاضرر» دارد و در آن به خود فعل توجه می‌شود. برخی آن را مسئولیت برون ذاتی نامیده‌اند، در چنین مسئولیتی، هر شخص همیشه نسبت به اعمالی که زیانی را به غیر فراهم ساخته، مسئول و ضامن است. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۶)

۳-نظریه مختلط: نظریه مختلط در پی اشکالات و انتقادات وارده به دو نظریه قبلی مطرح می‌شود. در واقع این نظریه، آمیخته و مکملی از دو نظریه پیشین (تقصیر و خطر) می‌باشد. بر طبق این نظریه، مبنای اولیه، نظریه تقصیر و مبنای ثانویه، نظریه خطر است. طرفداران نظریه مختلط معتقدند که اخلاق ایجاب می‌کند که مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد و مسئولیت مبتنی بر خطر، تنها در موارد استثنایی و در مواردی که اقتضا کند، باید مورد استفاده قرار گیرد. (احمدوند، ۱۳۸۴: ۱۶)

۴-نظریه تضمین حق: حرکت دیگری که برای پیشبرد مسئولیت مدنی در قرن اخیر صورت گرفته است، پایه‌گذاری مسئولیت مدنی بر اساس نظریه تضمین حق است. به‌موجب این نظریه که به وسیله استارک در فرانسه ارائه شده، مادامی که هدف از مسئولیت مدنی، جبران زیان است، در مجازات نمودن باید به زیان‌دیده و زیانی که به او وارد شده، توجه داشت نه عامل زیان و شرایط او. (گل‌برازاده شیرتبار، ۱۳۸۱: ۱۳) زیرا نظریه تقصیر و خطر برای مسئولیت شخص کافی نیست و نمی‌توان تنها با تکیه به آن‌ها حکم به مسئولیت مدنی کرد؛ چرا که آنچه مهم است، جبران خسارت و تضمین حق است. بنابراین ملاک اساسی در نظریه تضمین حق این است که در صورت ورود ضرر، باید ضرر وارده، رفع حقوق زیان‌دیده جبران گردد.

۵-نظریه تقصیر به مفهوم نوعی: نظریه تقصیر به مفهوم نوعی (تعدیل) اخیراً توسط برخی از حقوقدانان برای رفع اشکال‌هایی که به نظریه تقصیر وارد آمده، مطرح شده است. در نظریه سنتی تقصیر، عمل شخص با توجه به وضعیت او مورد ارزیابی قرار می‌گیرد اما در نظریه تقصیر به مفهوم نوعی، ملاک نوع انسان‌ها می‌باشد؛ یعنی عمل عامل زیان با عمل یک شخص متعارف و با همان شرایط مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و اگر به‌طور نوعی با شرایط مطابقت نداشت، عامل زیان را مسئول می‌دانند. در واقع در نظریه

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

تقصیر، ضابطه شخصی ملاک است و در نظریه تقصیر به مفهوم نوعی، ضابطه نوعی! تقصیر نوعی وقتی محقق می شود که رفتار عامل زیان بر خلاف رفتار یک فرد متعارف با همان اوضاع و شرایط باشد؛ گویا این نظریه بیشتر با قوانین اسلامی سازگارتر است.

تحول در مبنای مسولیت مدنی و شکل گیری مسولیت های بدون تقصیر

توسعه شتابان علم و تکنولوژی و گسترش زندگی بشری منجر به ایجاد تحولاتی در زمینه مبنای مسولیت مدنی شده است؛ چرا که شرایط پیشین تغییر یافته و قوانین گذشته که در زمانه خودشان، بهترین راه حل بود، امروزه دیگر نه تنها پاسخگوی جبران خسارت زیان دیده نیست بلکه به نوعی ممکن است با آن در تعارض هم باشد. بنابراین قانونگذار باید قوانین جدیدی مبتنی بر شرایط و اوضاع و احوال امروزی وضع نماید. از تحولات صورت گرفته در زمینه مبنای مسولیت مدنی، تحول در باب نظریه تقصیر است. در نظریه تقصیر آنچه که مهم است و ملاک مسولیت قرار می گیرد، تقصیر مرتکب زیان است؛ بنابراین باید تقصیر عامل زیان ثابت شود تا بر اساس آن بتوان مسولیت را بر آن شخص بار کرد. از طرفی اثبات تقصیر عامل زیان وظیفه زیان دیده است که کار دشواری است و در اثر ثابت نشدن تقصیر، عامل زیان از مسولیت مبرا می باشد. در نتیجه حقوق زیان دیده ضایع خواهد شد و این با هدف مسولیت مدنی که جبران خسارت است، منافات دارد. بنابراین باید به دنبال راه حل دیگری برای جبران خسارت بود؛ زیرا همانطور که گفتیم، اثبات تقصیر کاری دشوار است و به این صورت حقوق زیان دیده پایمال می شود. به دیگر سخن، تأثیر تحولات جامعه بشری بر مبنای مسولیت مدنی تأثیر گذاشته و موجب شده که حقوق مسولیت مدنی متناسب با تغییر و تحولات ایجاد شده، مبانی و راه حل های نوینی را برای حل مشکلات مطرح کند. لذا قوانین و مبانی گذشته، کارایی خود را از دست داده اند و مسولیت مدنی نیازمند مبانی جدیدتری با شرایط جدید می باشد. در منابع فقه اسلامی، سخن از تقصیر به میان آمده نیامده است، بالعکس متونی وجود دارد که متضمن مسولیت بدون تقصیر است. به نظر برخی حقوقدانان، مبنای قانون مدنی که به پیروی از فقه امامیه نگاشته شده، اتلاف و تسبیب است و تقصیر شرط نیست و تنها چیزی که شرط است، وجود رابطه سببیت و یا انتساب فعل به مسبب است و آنچه به عنوان تقصیر تصور شده است، در واقع برای احراز رابطه سببیت است. (جوان، ۱۳۲۶، ج ۲: ۲۹۱ و ۳۲۸) بنابراین نمی توان تقصیر را به عنوان مبنای مسولیت مدنی قرار داد، بلکه این عنصر می تواند در کنار عوامل دیگر مسولیت قرار گرفته و مکمل آن ها باشد. در واقع نظریه تقصیر به تنهایی نمی تواند پاسخگوی نیازهای جدید باشد. به همین دلیل در اندیشه های دکترین و رویه دادرسی، تغییراتی جهت کمک به زیان دیده ایجاد شد تا توجیه عقلانی برای آن ها داشته باشد. برای تحقق مسولیت مدنی، وجود یا اثبات تقصیر شرط نیست بلکه اثبات ضرر و رابطه سببیت عرفی بین ضرر و فعل یا ترک فعل شخص برای مسولیت و مطالبه خسارت کفایت می کند. بدیهی است که قبول این نظریه به سود زیان دیده است، چه او را از اثبات تقصیر که اغلب کاری دشوار است، معاف می کند، به علاوه در توجیه فلسفی آن می توان گفت که عدالت اقتضا می کند که خسارت در هر حال جبران شود و هیچ ضرری بدون جبران نماند. (صفایی، ۱۳۹۳: ۷۸) نظریه تقصیر و ایجاد خطر، هر دو مبالغه آمیز به نظر می رسد و نمی توان ارتکاب تقصیر را مبنای منحصر مسولیت مدنی شمرد؛ زیرا گاه عدالت ایجاب می کند که کسی متحمل ضرر

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

شود که مقصر نبوده است. چنانکه در روابط بین کارگز و کارفرما هیچکس نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که کارفرما برای تحمل زیان‌های ناشی از کار مناسب‌تر از کارگز است. همچنین نباید شخص را مسئول خساراتی شناخت که از فعالیت‌های مشروع او به‌بار آمده است؛ زیرا معقول به‌نظر نمی‌رسد که ضرورت‌های زندگی اجتماعی ندیده گرفته شود و مسئولیت بر پایه هیچ اصل اخلاقی قرار نگیرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵) لذا قانونگذار اقدام به وضع مسئولیت‌های بدون تقصیر نمود تا دیگر نیازی به اثبات تقصیر نباشد و خسارت بتواند بهتر و سریع‌تر جبران شود. به‌عبارت دیگر مسئولیت مبتنی بر تقصیر کنار رفت و مسئولیت محض جای آن را گرفت. مسئولیت محض، حاصل افکار فلسفی حقوقدانان در مواجهه با پیشرفت‌های دانش بشری و پیچیده شدن روابط اجتماعی است که با حذف عنصر تقصیر از مسئولیت مدنی و تأکید بر رابطه سببیت، در پی تسهیل جبران خسارت زیان‌دیده است. (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹) این نظریه که بر مبنای قاعده «لاضرر» بنا شده، به انصاف و عدالت نزدیکتر است. اگرچه به این نظریه نیز انتقادهایی شده است اما این انتقادهای کاملاً بی‌اساس است. یکی از انتقادهای این است که نظریه مسئولیت محض بر خلاف مبانی اخلاقی است و سبب اخلال در نظم و امنیت و آرامش فردی و اجتماعی است. آثار نامطلوبی بر جای می‌گذارد و دیگر هیچ تفاوتی میان عمل با تقصیر و بدون تقصیر وجود ندارد و این با مبانی اخلاقی منافات دارد. اما باید گفت که در بیشتر موارد، مسئولیت بدون تقصیر، یک مسئولیت بدون سرزنش و عینی است و ناظر به رفتار شخص است، نه حالت ذهنی او و این امر باعث می‌شود که بیشتر اشخاص برای آنچه که نمی‌توان آن‌ها را از نظر اخلاقی مورد سرزنش قرار داد، مرتکب تقصیر شوند. نظریه تقصیر هرچند ظاهری اخلاقی دارد اما معیارهایی را برای سنجش رفتار شخص مدنظر قرار می‌دهد که فراتر از حد انتظار متعارف است و اشتباهات غیرقابل اجتناب را نیز تقصیرآمیز تلقی می‌کند. (همان: ۲۲) در مسئولیت محض اینگونه نیست که هر کاری سبب مسئولیت شود و افراد از ترس مسئول بودن، فعالیت و کاری نکنند. بلکه آنچه که ضمان‌آور است، فعل نامشروع است. این نوع مسئولیت جنبه بازدارندگی از ارتکاب مجدد فعل زیانبار را نه‌تنها برای خودش، بلکه برای سایرین نیز در بر دارد. دادرسی را راحت و سریع و از هزینه‌های گزاف که در روند دادرسی شخص باید بپردازد، جلوگیری می‌کند. در مباحث پیشین گفتیم، هرکسی که از فعالیتی سود ببرد، زیان هم به‌گردن اوست. این قاعده در محیط تولیدات کارخانه‌ای و صنعتی و کارهای خطرناک حکمفرماست. در کارخانه‌ها سرمایه‌دار از سود کارخانه که حاصل کار کارگرانش می‌باشد، بهره می‌برد، پس اگر در زمینه تولید، برای کارگرانش اتفاقی بیفتند و صدمه ببینند، سرمایه‌دار موظف به جبران صدمات وارده می‌باشد؛ زیرا این صدمات در اثر کاری که در کارخانه برای سرمایه‌دار انجام شده، صورت گرفته است. بنابراین سرمایه‌دار همانگونه که سود را می‌برد، ضرر هم به‌عهده اوست و اگر زیان وارده جبران نشود، زیان‌دیده از جبران خسارت که حق اوست، محروم می‌گردد. بنای مسئولیت مدنی بر پایه ضرر استوار است. چنانکه فقهای شیعه در کتاب‌هایشان از آن سخن گفته‌اند:

در کتاب العناوین آمده است: «ملاک نفی ضرر است؛ یعنی هرکسی که ضرری وارد کرد، آن شخص ضامن است و باید آن ضرر را رفع نماید. همانطور که روایت «من أضر بطریق المسلمین فهو ضامن» بر آن دلالت می‌کند. (حسینی‌المراغی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۴۲) در



پنجمین

اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

پنجمین همایش ملی حقوق

"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"



دانشگاه آزاد
اسلامی
واحد میبد

حاشیه‌المکاسب آمده است: «برای ضامن دانستن شخص، صدق عرفی تلف کافی است.» (یزدی، ۱۳۷۰، ج: ۱، ۱۰۶) پس در مسولیت مدنی، تقصیر مبنای مسولیت محسوب نمی‌شود و کاربرد عباراتی نظیر تعدی، تفریط و تقصیر توسط بعضی از فقها برای احراز رابطه سببیت است. (بابایی، ۱۳۸۱: ۷۹) می‌توان گفت که عنصر تقصیر، شرط اصلی مسولیت مدنی نیست بلکه بدون تقصیر هم می‌توان کسی را مسؤل دانست.

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"****نتیجه گیری**

امروزه گسترش علم و صنعت و تکنولوژی سبب تغییر و تحولاتی در زمینه مبنای مسئولیت مدنی شده است. توسعه روزافزون ماشین آلات، صنایع و کارخانجات، تولید کالاهای معیوب، مسئولیت پزشکان، فعالیت های خطرناک و ... مشکلاتی را در زندگی انسان ها و روابط حقوقی آنان ایجاد نموده است که با مبنای سنتی مسئولیت مدنی نمی توان راه حل مناسبی را ارائه داد و آن مشکلات را حل نمود. در جوامع گذشته، همه چیز ساده و ابتدایی بود و قوانین هم متناسب با همان شرایط وضع می شد اما امروزه با تحول شرایط اقتصادی و اجتماعی، جوامع بشری تغییر کرده و پیچیده شده است و مبنای قدیمی مسئولیت مدنی دیگر جوابگوی تحولات دنیای کنونی نیست و با آن مبنای قدیمی نمی توان حقوق افراد را در مقابل حوادث و خطرهای جدیدی که دامنگیر بشریت شده را تأمین کرد. در نتیجه قانونگذار باید متناسب با شرایط و اوضاع و احوال کنونی اقدام به وضع مبنای جدیدی نماید تا بتواند متناسب با شرایط امروزی به درستی مشکلات را حل کند؛ به گونه ای که با عقل و شرع همخوانی و هماهنگی داشته باشد. تغییر و تحولات ایجاد شده، موجب شده اند که مسئولیت هایی شکل بگیرد که عنصر تقصیر در آن نقش چندانی ندارد. مبنای فلسفی تقصیر یکی از قدیمی ترین نظریه های مطرح شده در زمینه مسئولیت مدنی است که تقصیر را شرط اصلی مسئولیت می داند و در آن می بایست زیان دیده، تقصیر عامل زیان را اثبات کند. با تحولات ایجاد شده، قانونگذار دریافت که نمی توان با این مبنای، هدف مسئولیت مدنی را محقق کرد. به همین دلیل مبنای مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت محص را ایجاد نمود که در آن صرف ایراد ضرر، ایجاد مسئولیت می کند و تقصیر در آن نقشی ندارد. پس آنچه که مهم و ضروری است، «ضرر» وارده و جبران خسارت آن ضرر است، نه عامل زیان و شرایط او. به دیگر سخن، تقصیر در مبنای مسئولیت مدنی بی تأثیر نیست بلکه به عنوان مکملی در کنار عوامل دیگر به کار می رود و علت تام برای مسئول دانستن شخص نیست. در واقع عنصر تقصیر شرط اصلی مسئولیت مدنی نیست بلکه بدون تقصیر هم می توان مکسی را مسئول دانست. البته اگر عامل زیان اثبات کند که سبب زیان حوادث غیرمترقبه و به اصطلاح فورس ماژور بوده، از مسئولیت مبرا است. به نظر می رسد که نظریه مسئولیت محص به عنوان مبنای مبنای مسئولیت مدنی، نظریه خوب و مناسبی برای حفظ نظم و امنیت و رعایت عدالت است. مبنایی که در سایه آن عدالت و انصاف رعایت می شود و زیان دیده راحت تر و سریع تر می تواند به حقوق از دست داده خود برسد. این نظریه که با هدف حمایت از حقوق زیان دیده وضع شده، با قوانین شریعت اسلام سازگاری بیشتری دارد.



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم (۱۳۹۲)، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تهران، عابدزاده.
۲. ابن ادریس، محمدبن احمد (بی تا)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. احمدوند، ولی الله (۱۳۸۴)، "مطالعه تطبیقی مسولیت مدنی کارفرما در سیستم حقوقی ایران و انگلیس"، مجله دانشکده علوم انسانی، شماره ۶۱، ص ۷-۴۶.
۴. بابایی، ایرج (۱۳۸۱)، "بررسی عنصر خطا در حقوق مسولیت مدنی ایران"، مجله پژوهش حقوق، شماره ۷، ص ۷-۴۹-۸۹.
۵. بادینی، حسن؛ شعبانی کندسری، هادی؛ رادپور، سجاد (۱۳۹۱)، "مسولیت محض؛ مبانی و مصادیق"، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱، ص ۱۹-۳۶.
۶. تقی زاده، ابراهیم؛ هاشمی، سیداحمدعلی (۱۳۹۱)، مسولیت مدنی (ضمن قهری)، تهران: دانشگاه پیام نور.
۷. جوان، موسی (۱۳۲۶)، مبانی حقوق، تهران: شرکت چاپ رنگین.
۸. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۹. حسینی المراغی، عبدالفتاح بن علی (۱۴۱۸)، العناوین، چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۹)، مسولیت مدنی در فقه امامیه، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. خواجه پیری، عباس (۱۳۸۹)، موجبات مسولیت مدنی و آثار آن، چاپ دوم، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
۱۲. صفایی، حسین (بی تا)، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۳)، مسولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، چاپ اول، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۸۳)، القواعد الفقهیه، چاپ اول، ۱ جلد، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار.
۱۶. فاضل هندی، محمبن حسن (۱۴۱۶)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، چاپ اول، ۱۱ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. فخرالمحققین، محمدبن حسن (۱۳۷۸)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، ۴ جلد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

**"تحولات مسولیت های مدنی در نظام حقوقی ایران"**

۱۸. قانون مسولیت مدنی (۱۳۳۹).
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی مسولیت مدنی، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی: ضمان قهری، الزام های خارج از قرارداد، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. گلبراززاده شیرتبار، علی (۱۳۸۱)، بررسی اصول و مبانی فقهی مسولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران.
۲۲. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳)، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، ۴ جلد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۳. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، بی جا: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۴. موسوی بجنوردی، محمد (۱۴۰۱)، قواعد الفقهیه، چاپ سوم، ۲ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۲۵. نجفی، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، ۴۳ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۶. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۷. یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۳۷۰)، حاشیة المکاسب، چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.